

# همسویی حزب دموکرات کردستان ایران و رژیم صدام در آغاز جنگ تحمیلی

رضا بسطامی<sup>(۱)</sup>

نظامی وسیعی دست زده و بدین ترتیب، توان درخور توجهی از نیروهای نظامی را به خود مشغول کرده بودند.

## اوضاع سیاسی کردستان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

حرکتهای تجزیه طلبانه در استان کردستان ایران مدتها پس از آغاز این گونه حرکت کردها در دو کشور ترکیه و عراق آغاز شد. استقلال خواهی کردها در ترکیه و عراق میراث شکست امپراتوری عثمانی، فروپاشی آن و تعهدی بود که کشورهای پیروز در معاهده لوزان در مورد تشکیل کشور مستقلی برای کردها داده بودند. در حالی که آغاز حرکتها استقلال طلبانه در کردستان ایران به جنگ جهانی دوم و تسلط نیروهای شوروی بر استانهای آذربایجان و کردستان، بر می گردد. یکی از مهم ترین دلایل تأخیر این گونه حرکتها در کردستان ایران آن بود که برخلاف کردهای ترکیه و عراق که خود را از ریشه، نژاد و فرهنگ ترک و عرب نمی دانند کردهای این کشور خود را ایرانی می دانند.

در سال ۱۳۱۹، نخستین تشکیلات سیاسی کردی به نام جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژ کاف) به صورت مخفی در شهر مهاباد شکل گرفت که با اشغال کردستان به دست نیروهای روس، فعالیت آن تا اندازه زیادی مختل شد. طی دوره تسلط نیروهای شوروی بر کردستان و آذربایجان، این کشور کوشید زمینه های لازم را برای الحاق این مناطق به آذربایجان شوروی فراهم کند. در این باره مقامات شوروی با حمایت از قاضی محمد، که وجهه مردمی خوبی در بین مردم مهاباد داشت، به ایجاد تشکلهای همسو با منافعشان اقدام کردند.<sup>۳</sup>

## مقدمه

از آغاز قرن بیستم، مسئله کردها همواره، یکی از پر تنش ترین مسائل کشورهای خاورمیانه بوده است. در این منطقه، چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه به دلیل داشتن جمعیت درخور توجهی از کردها، مهم ترین مناطق پراکنده گی جمعیتی آنها هستند. طی سالهای گذشته، برخوردهای بسیاری بین کردها و حکومتهای مرکزی این کشورها روی داده است. همچنین، احزاب و تشکلهایی در مناطق کردنشین این کشورها شکل گرفته اند و فعالیت می کنند که بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی و شرایط بین المللی، با طرح دیدگاههای استقلال طلبانه، به مبارزه مسلحانه متوسل شده اند؛ مبارزات مسلحانه حزب کارگران کرد ترکیه (PKK)، حزب دموکرات کردستان عراق، حزب میهنی کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان ایران و حزب کومله گواهی بر این مدعا است.

حزب دموکرات کردستان ایران با توجه به فعالیت گسترده حزبی و نفوذی که بر مردم این استان داشت، یکی از مهم ترین جریانهای حزبی منطقه کردستان در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود. در نتیجه اقدامات این حزب در کردستان مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در جریان تجاوز نظامی رژیم عراق به خاک کشورمان، بحران گسترده ای در منطقه کردستان ایجاد شد که آسیبهای زیادی به کشور وارد کرد و امنیت ملی کشور را در معرض خطر قرارداد. در واقع، در شرایطی که ارتش عراق تا دروازه های اهواز پیشروی کرده بود، جریانهای ضد انقلاب در کردستان شهرهای چند استان شمال غربی کشور را ناامن و به اقدامات

(۱) کارشناس ارشد علوم سیاسی

### تشکیل حزب دموکرات کردستان

در سال ۱۳۲۴، حزب دموکرات کردستان، به رهبری قاضی محمد موجودیت خود را در شهر مهاباد اعلام کرد. وی پس از مسافرت‌هایی که به شوروی داشت، با مجاب کردن رهبران جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژکاف) توانست زمینه تأسیس حزب دموکرات کردستان را فراهم کند. اساس نامه این حزب به شرح زیر اعلام شد:

(۱) ملت کرد در داخل ایران در اداره امور ملی خود آزاد و مختار باشد و در حدود دولت ایران، منطقه کردستان را اداره کند.

(۲) با زبان کردی خود بتواند تحصیل کند و این زبان به رسمیت شناخته شود.

(۳) انجمن ولایتی کردستان طبق قانون اساسی به فوریت انتخاب و در تمام کارهای اجتماعی و دولتی نظارت و سرکشی کند.

(۴) مأموران دولت در منطقه، باید از اهل محل باشند.

دموکرات و تأسیس جمهوری مهاباد نگذشته بود که قوام السلطنه با دولت شوروی درباره چگونگی ترک نیروهای روس از ایران به توافق رسید.<sup>۷</sup>

با خروج نیروهای شوروی از خاک ایران، نیروهای ارتش در زمستان سال ۱۳۲۴ بدون درگیری به مهاباد وارد شدند و پس از سه روز، قاضی محمد و سران حزب دموکرات را دست‌گیر کردند. صد روز بعد، زمانی که ارتش به طور کامل در شمال کردستان ایران مستقر شده بود، قاضی محمد، صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی در همان میدان چهار چراغ مهاباد به دار آویخته شدند.<sup>۸</sup>

پس از سقوط جمهوری مهاباد، اعدام قاضیها، دست‌گیری تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان و فرار دیگر اعضای حزب به عراق، جنبش کرد در ایران عملاً فرو پاشید.<sup>۹</sup>

از سال ۱۳۲۸ تا پایان دوره نخست وزیری دکتر مصدق،

## استقلال خواهی کردها در ترکیه و عراق میراث شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول بود؛ در حالی که آغاز حرکتهای استقلال طلبانه در کردستان ایران به جنگ جهانی دوم و تسلط شوروی بر استانهای آذربایجان و کردستان، بر می‌گردد

حزب دموکرات کردستان با همکاری با حزب توده، دوباره احیا شد، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر فعالان حزب دموکرات در کردستان سرکوب شدند. نکته در خور توجه آنکه در این دوره، روابط خوبی بین دو حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان عراق وجود داشت.<sup>۱۰</sup>

در سال ۱۳۳۶، اعضای شورای حزب دموکرات کردستان بار دیگر فعالیت‌های خود را با کمک حزب توده آغاز کردند و عبدالله اسحاقی (احمد توفیق)<sup>(۱)</sup> کوشید تا در خارج از کشور به تشکیلات حزب سر و سامان دهد، اما از آنجا که درباره خط مشی مبارزه، با حزب توده اختلاف نظر داشت، نتوانست هیچ حرکت چشم‌گیری انجام دهد و از این زمان به بعد، حزب دموکرات، ارتباطش را با حزب توده قطع کرد. در همین ایام، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان از اعضای اصلی حزب دست‌گیر شدند. البته، قاسملو به علت همکاری و انتشار نام عده‌ی زیادی از اعضای حزب آزاد شد، اما بلوریان تا سال ۱۳۵۷ در زندان ماند.<sup>۱۱</sup>

در سال ۱۳۴۳، کنگره دوم حزب در کوی سنجاق عراق تشکیل و عبدالله اسحاقی به دبیر کلی آن انتخاب شد. در این دوره، ملامصطفی بارزانی نفوذ زیادی روی حزب داشت و با

(۵) تمام درآمد منطقه باید در خود منطقه صرف شود.

(۶) حزب دموکرات کردستان خواهد کوشید بین ملت آذربایجان و اقوامی که در آنجا زندگی می‌کنند، وحدت و برادری کامل برقرار کند.

(۷) حزب دموکرات کردستان با استفاده از منابع طبیعی سرشار کردستان و پیشرفت امور کشاورزی، بازرگانی، فرهنگی و بهداشتی برای رفاه اقتصادی و معنوی ملت کرد مبارزه خواهد کرد.<sup>۲</sup>

چهار ماه پس از تشکیل حزب، در ۲۵ آذر سال ۱۳۲۴، قاضی محمد در میدان چهارچراغ مهاباد تأسیس جمهوری خودمختار مهاباد را اعلام کرد. در این روز، وی خطاب به هوادارانش گفت: «مردم کرد مردمی تنها هستند، سرزمینشان غصب و تقسیم شده است و از ابتدایی‌ترین حقوق، یعنی حق تعیین سرنوشت بی بهره اند...»<sup>۵</sup>

وی سپس، با لباس افسران روسی و درجه ژنرالی به عنوان فرمانده کل قوای کردستان از نیروهای خود سان دید. این جمهوری را از نظر نظامی حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانیها) و از نظر امکانات مالی و تجهیزات نظامی، شوروی تأمین می‌کرد. هنوز یک سال از عمر حزب

(۱) عبدالله اسحاقی یکی از بنیان‌گذاران کمیته مهاباد و از اعضای جوان حزب دموکرات بود.

حزب بود. در این کنگره حزب دموکرات مشی مسلحانه را به عنوان شکل اساسی مبارزه برگزید و عبدالرحمن قاسملو نیز به سمت رهبری حزب دموکرات انتخاب شد.<sup>۱۵</sup> از آنجا که طی این دوره، بین حکومت ایران و حزب دموکرات کردستان عراق روابط خوبی برقرار بود، رژیم عراق نیز به حمایت از حزب دموکرات کردستان ایران پرداخت.

### وضعیت کردستان در آستانه انقلاب اسلامی

هم زمان با اوج گیری مبارزات انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، سه جریان سیاسی کردی در مناطق کردنشین ایران فعال بود:

الف) حزب دموکرات کردستان ایران، که پس از کنگره سوم و تعیین عبدالرحمن قاسملو به عنوان رهبر حزب، تجدید سازمان کرده بود.

ب) حزب کومله که مرکز آن در شهر سنندج بود. این حزب نخست، با نام تشکل دانشجویان کرد، مطرح شد و از نظر گرایش سیاسی و ایدئولوژیک مائوئیست بود. به اعتقاد آنها، نخست، کردستان و بعدها، تمام ایران را می توان با تشکل مبارزات دهقانی در روستاها از طریق یک سازمان پیشتاز، نجات داد! باید یادآور شد که در اوایل انقلاب، این حزب، نخست با نام سازمان انقلابی زحمت کشان ایران (کومله) فعالیت می کرد؛ اما از سال ۱۳۶۰ به بعد، به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد.<sup>۱۶</sup>

ج) جمعیت جوانان مسلمان کرد، که رهبری آن را احمد مفتی زاده عهده دار بود. این گروه به دلیل گرایشهای سیاسی - ایدئولوژیک با دو حرکت قبلی تفاوت داشت، اما در مسئله خودمختاری کردستان با آنها هم رأی بود.<sup>۱۷</sup> به غیر از احزاب و گروههای کردی که به دنبال منافع حزبی و قومی بودند، جریان طرفداران انقلاب اسلامی نیز در منطقه کردستان وجود داشت، هر چند مانند دیگر مناطق کشور قوی نبود.

با آغاز انقلاب اسلامی در ایران، مردم کردستان نیز مانند دیگر مناطق کشور به صف مبارزه علیه رژیم پهلوی پیوستند. البته، کردستان نسبت به استانهایی، مانند اصفهان، تبریز، قم و ... دیرتر به جریان انقلاب پیوست و در خود کردستان نیز، سنندج دیرتر از مهاباد به صحنه مبارزه وارد شد. نخستین تظاهرات در ۱۸ خرداد

توجه به کمکهای شاه ایران به حزب دموکرات کردستان عراق، وی نقش زیادی در برقراری امنیت در کردستان ایران و کنترل عملیاتیهای حزب دموکرات کردستان ایفا کرد.<sup>۱۸</sup> در جریان کنگره دوم، به پیشنهاد اسحاقی، قاسملو به علت خیانت به جنبش کرد و همکاری با ساواک از حزب اخراج شد و به چکسلواکی رفت.<sup>۱۹</sup>

در سال ۱۳۴۶، یک کمیته انقلابی با خط مشی مسلحانه، به عنوان حزب دموکرات، از حزب توده جدا شد و عده ای از آنها همچون اسماعیل شریف زاده، سلیمان معینی، عبدالله معینی و... به کردستان ایران وارد شدند و شروع به عضوگیری کردند. خلع سلاح یکی از پاسگاههای ژاندارمری پیرانشهر از جمله اقدامات چشم گیر این افراد بود. آنها حدود دویست نفر عضو داشتند که در نه دسته در شمال کردستان فعالیت می کردند. در سال ۱۳۴۷، نیروهای ژاندارمری، ۱۰۴ تن از آنها را دست گیر و ۲۳ نفر از این تعداد اعدام شدند.<sup>۲۰</sup>

تشکیل سومین کنگره حزب دموکرات در سال ۱۳۵۲ با فاصله زمانی ده سال از کنگره دوم نشان دهنده رکود فعالیتهای



همه در فکر مسلح شدن بودند. به طور کلی، دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ (آغاز جنگ کردستان) را باید دوره کشاکش بین نظام نوپای جمهوری اسلامی، که در پی تدارک استقرار نهادهای انقلابی خود برای تحقق آمال مردم بود با گروه‌هایی، مانند کمونیستها، لیبرالها، ملی‌گراها و سلطنت‌طلبان دانست که هر یک در صدد تقویت قدرت خود و مقابله با استقرار نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی در کردستان بودند.

چهار روز پس از فرار شاه از کشور، حزب دموکرات اعلام کرد: «خواستهای ملی خلق کرد در چهارچوب ایران آزاد حل‌شدنی است و تکلیف نوع حکومت کشور باید در همه پرسی آزاد و به دور از هر نوع فشار روشن شود».<sup>۲۲</sup> یک هفته پس از پیروزی انقلاب، داریوش فروهر از طرف دولت موقت به مهاباد رفت تا با مردم و سران منطقه مذاکره و خواسته‌های آنان را به دولت موقت منتقل کند.<sup>۲۳</sup> فروهر؛ نخست با شیخ‌عزالدین حسینی<sup>(۱)</sup> ملاقات کرد و وی بلافاصله، نمایندگان شورای شهرهای کردستان را برای مذاکره با نماینده دولت فراخواند. در ۲۹ بهمن ماه، جلسه‌ای با شرکت نمایندگان دو طرف تشکیل شد که از طرف کردها شیخ‌عزالدین حسینی و شیخ جلال، تعدادی از روحانیان منطقه، عبدالرحمن قاسملو، غنی بلوریان و تعدادی از فعالان حزب دموکرات، نمایندگان سازمان چریکهای فدایی خلق و افراد متفرقه دیگر حضور داشتند.<sup>۲۴</sup> در روز ۳۰ بهمن ماه، این نمایندگان طرح هشت ماده‌ای خود را به فروهر تحویل دادند. وی نیز پاسخ‌بدان را در صلاحیت دولت موقت دانست.<sup>۲۵</sup> از جمله شرایط این طرح، منوط کردن جابه‌جایی نیروهای ارتش در منطقه کردستان به هماهنگی با حزب دموکرات و نیز کاهش نیروهای نظامی در منطقه کردستان بود. در واقع، هدف احزاب کرد از مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، رسمیت دادن به خود مختاری کردها بود. در این زمینه، عبدالرحمن قاسملو به نمایندگان اعزامی از تهران گفت: «هم اکنون، ما در کردستان، خودمختاری داریم و تنها باید دولت ایران به آن رسمیت بدهد و گرنه، کردستان آتش می‌گیرد».<sup>۲۶</sup> در چنین اوضاعی، در همان روز، حزب دموکرات طی برنامه‌ای از پیش تدارک شده‌ای پادگان تیپ ۳ مهاباد را خلع سلاح کرد. عده‌ای از کارکنان پادگان، که از افراد حزب بودند، علیه فرمانده پادگان طغیان و وی را زخمی کردند. در نتیجه، افراد مسلح حزب به پادگان وارد شدند، آنجا را تصرف کردند و سرگرد عباسی را که از افراد حزب دموکرات بود، به عنوان فرمانده پادگان برگزیدند. این عمل حزب نخستین

ماه سال ۱۳۵۷، در مهاباد در جریان تشییع جنازه عزیز یوسفی (از زندانیان سیاسی که در زندان درگذشته بود)، رخ داد که به دست‌گیری عده‌ای به دست ساواک منجر شد. در سنج نیز، نخستین تظاهرات در روز ۱۵ مرداد ماه برای پشتیبانی از اعتصاب غذای ۲۴ روزه زندانیان سیاسی به راه افتاد. بعد از این وقایع، موج راه‌پیمایی و تحصن سراسر منطقه را فراگرفت و اهالی کردستان، مانند مردم سراسر کشور در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کردند و در روز ۲۲ بهمن ماه، مردم مناطق کردنشین به مناطق نظامی، مانند شهر بانیها، ژاندار مریها و... هجوم آوردند و آنها را تصرف کردند.<sup>۲۸</sup>

### اوضاع سیاسی کردستان پس از پیروزی انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل فروپاشی اقتدار دولت مرکزی، در کردستان نیز همانند برخی از دیگر نقاط کشور وضعیت پیچیده‌ای حاکم شد. نیروهای سیاسی مختلف در کردستان در صدد جمع‌آوری نیرو و تقویت خط سیاسی خود برآمدند. در آبان ماه سال ۱۳۵۷، عبدالرحمن قاسملو به عنوان دبیر کل حزب از مرز کردستان عراق، به کردستان ایران وارد شد و فعالیت مجدد حزب دموکرات را با شعار خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران آغاز کرد. تمرکز حرکت‌های سیاسی - نظامی این حزب در شمال کردستان، به ویژه در شهر و منطقه مهاباد بود. در این دوره، حدود ۲۵۰ نفر به این حزب پیوستند.<sup>۲۹</sup> حزب دموکرات بلافاصله، در تدارک خلع سلاح پادگان مهاباد و تسلیح خود در تمام مناطق برآمد. هدف حزب این بود که بیشترین اسلحه و نیرو را در کردستان فراهم آورد و بدین ترتیب، موقعیت خود را تقویت و رهبری اش را به تمام منطقه تحمیل کند تا با فشار آوردن به نظام نوپای جمهوری اسلامی امتیازهایی را کسب و قدرت سیاسی را در کردستان تصاحب کند. طبق این استراتژی، بلافاصله، شعبه‌های حزب در بیشتر مناطق کردستان برپا شد.<sup>۳۰</sup>

در این دوره، جریان‌های طرفدار نظام، مانند حزب جمهوری اسلامی و دیگر احزاب به طور کلی، در کردستان ضعیف بودند و تنها در میوان و سنندج پایگاه داشتند که آنها هم به رغم کوشش فراوان، در مقابل فعالیت گسترده جریان‌های مزبور (چپها و عوامل وابسته)، از قدرت بسیج کمتری برخوردار بودند.<sup>۳۱</sup>

در این زمان، در بیشتر مناطق کردنشین، بازار خرید و فروش اسلحه به شدت رونق گرفت. در چنین جو هرج و مرجی، از نیروهای سیاسی گرفته تا بسیاری از مردم عادی،

(۱) امام جمعه غیر رسمی مهاباد قبل از انقلاب و عنصر مرتبط با کومله

در مقطع دوم، پس از گسترش یافتن نیروهای نظامی ارتش و سپاه پاسداران، در کردستان نیروهای کرد بیشتر روشهایی، مانند کمین، مین گذاری جاده‌ها، ترور، ارباب افراد بومی و غیر بومی در کردستان (که با جمهوری اسلامی ارتباط داشتند) و حمله و مصادره و به آتش کشیدن امکانات دولتی را به کار بستند. و پس از رانده شدن به کردستان عراق، با عبور مخفیانه از مرز و انجام اقدامات ایذایی علیه نیروهای جمهوری اسلامی دوباره به عراق باز می‌گشتند.<sup>۲۹</sup> تشریح برخی از تحولات و وقایع مهم کردستان می‌تواند عملکرد و نحوه‌ی رویارویی این حزب با دولت جمهوری اسلامی ایران را آشکارتر کند.

### وضع سندج در فروردین ماه سال ۱۳۵۸

پس از پیروزی انقلاب، دو کمیته در شهر سندج تشکیل شد. مسئول یکی از این کمیته‌ها را صفدری، روحانی مبارزی عهده دار بود که بیش از یک سال، سرپرستی حسینی سندج را بر عهده داشت و در جریان انقلاب نقش مؤثری ایفا کرد. وی هم زمان با سرپرستی کمیته مزبور، سرپرستی ستاد لشکر سندج را نیز بر عهده داشت.<sup>۳۰</sup> کمیته دیگری نیز در محل استانداری ایجاد شده بود که احمد مفتی زاده، رئیس جمعیت جوانان مسلمان کرد، مسئول آن بود. از همان آغاز، وی با اعلام مخالفت با صفدری، خود را تنها رهبر مذهبی-سیاسی کردستان دانست<sup>۳۱</sup> و در سفرهایی که به تهران داشت، مرتباً از مقامات خواست تا صفدری در سندج نماند و کمیته او اداره شهر را بر عهده داشته باشد و معاونش (خسروی) نیز به عنوان استاندار استان کردستان انتخاب شود.<sup>۳۲</sup>

در روز ۲۷ اسفند ماه، افراد مفتی زاده، عده‌ای از هواداران خود و عده‌ای از مردم را تحریک کردند، که برای گرفتن اسلحه و مهمات به کمیته تحت حمایت صفدری حمله کنند. در نتیجه تیراندازی نیروهای دو طرف، یک نفر کشته و دو نفر زخمی شدند. پس از این واقعه، افراد تحریک شده به سوی پادگان ژاندارمری حمله و اسلحه و مهمات ژاندارمری را غارت کردند. پس از خلع سلاح ژاندارمری، عده‌ای به سمت پادگان ارتش رفتند، اما با مقاومت پادگان روبه رو شدند. در این بین، افراد مفتی زاده، کمیته صفدری را محاصره کردند و چند نفر از افراد آن را به شهادت رساندند.<sup>۳۳</sup> از روز ۲۸ اسفند ماه، تمامی گروه‌های کرد (حزب دموکرات، کومله و فداییان) نیروهایشان را از تمام مناطق کردستان جمع‌آوری و به سمت سندج حرکت کردند و بدین ترتیب، شهر به حالت نظامی درآمد.<sup>۳۴</sup>

مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی بود. در واقع حزب، فرصت طلبانه از موقعیت ناآرام پس از پیروزی انقلاب سوء استفاده کرد تا زمینه آماده سازی اقدامات بعدی خود را فراهم کند.<sup>۳۷</sup>

به طور کلی، حرکت‌های مسلحانه گروه‌های کرد پس از پیروزی انقلاب را می‌توان به چهار مقطع زمانی تقسیم کرد: «مقطع نخست، وقایع سال ۱۳۵۸ را شامل می‌شود که عمده ترین آنها سقوط پادگان و هنگ ژاندارمری مهاباد و پاسگاه‌های ژاندارمری، جنگ نغده، فرمان امام (ره) در شکستن محاصره پاوه و سپس، آزاد سازی شهرهایی، مانند بانه، سردشت، مریوان و... بود.

مقطع دوم وقایع سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را در بر می‌گیرد که با تجاوز ارتش عراق و هم زمان با آن تشدید اقدامات نیروهای حزب دموکرات و حزب کومله همراه بود. این احزاب کوشیدند تا جبهه کردستان را فعال نگه دارند و بدین ترتیب، بخشی از نیروهایی را که باید برای مقابله با ارتش عراق به کار گرفته می‌شد، در این منطقه مشغول کنند.

مقطع سوم وقایع سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ را شامل می‌شود. طی این سالها، قرارگاه سیدالشهدا (ع) متشکل از نیروهای سپاه و ارتش و ژاندارمری شکل گرفت و با استقرار در منطقه توانست امنیت را در شهرها، روستاها، جاده‌های اصلی و مرزهای کردستان ایران با عراق تأمین کند و با پاکسازی پایگاه‌های نیروهای کرد آنها را از کردستان ایران به کردستان عراق براند.<sup>۳۸</sup>

مقطع چهارم از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ را در بر می‌گیرد. پس از سال ۱۳۶۴ و فعال شدن قرارگاه رمضان در کردستان عراق، به ویژه با تغییر استراتژی عملیاتی ایران در تغییر جبهه از جنوب به شمال، دامنه فعالیت‌های نظامی حزب دموکرات کاهش یافت و گرایش به همکاری با جمهوری اسلامی ایران و حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی رشد بیشتری یافت. البته، در این میان، همکاری نزدیک ایران با حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی نیز در رویکرد جدید حزب دموکرات ایران مؤثر بود.

طی این دوره‌ها، نیروهای حزب دموکرات از روشهای مختلفی برای مبارزه با نیروهای جمهوری اسلامی استفاده می‌کردند.

در مقطع نخست و در سالهای آغازین بحران کردستان، این نیروها کوشیدند تا با حمله به پایگاه‌های نظامی، سقوط آنها را باعث شوند، مانند محاصره پادگان جلدیان در سال ۱۳۵۸.

نمایی و جنگ افروزی حزب دموکرات و عده‌ای از فئودالها و عوامل ساواک با کشته و زخمی شدن بسیاری از مردم بی‌گناه کرد و آذری پایان یافت.<sup>۳۱</sup>

در این هنگام، دیگر مناطق کردستان نیز وضعیت متشنجی داشتند. در مرداد ماه سال ۱۳۵۸، نیروهای اصیل انقلاب به بیرون راندن گروهکهای ضدانقلاب از منطقه کردستان معتقد بودند؛ چرا که هر روز این گروهها جنگ تازه‌ای را در گوشه‌ای از کردستان به نیروهای انقلاب تحمیل می‌کردند. سرانجام، در جنگ پاوه، رهبر انقلاب، امام خمینی (ره)، به دخالت مستقیم در این امر مجبور شدند و فرمان پاک‌سازی تمام مناطق از نیروهای ضدانقلاب را صادر کردند.<sup>۳۲</sup> ایشان با بیان این مطلب که حساب مردم کرد از توطئه گران جداست، استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مسئله کردستان مشخص

در نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۵۸، هیئتی از تهران برای از بین بردن جو تشنج و پایان دادن به جنگ به سندج وارد شد. این هیئت متشکل از آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، هاشمی رفسنجانی، بنی‌صدر و صدر حاج سیدجوادی با مفتی زاده، شیخ عزالدین، قاسملو، غنی بلوریان و نمایندگان کومله و چریکهای فدایی به مذاکره پرداختند.<sup>۳۳</sup> در جریان مذاکرات شورای موقت با آیت‌الله طالقانی و هیئت‌اعزامی از تهران، جو تشنج تا حدی از بین رفت و قرار شد مراکز تصرف شده تخلیه شوند، برای تأسیس شورای شهر، انتخابات انجام گیرد و شورای موقت نیز منحل شود.<sup>۳۴</sup> بدین ترتیب، ابراهیم یونسی نیز از طرف وزیر کشور به عنوان استاندار انتخاب و غائله به طور موقت پایان یافت، اما گروهها به شدت از آن استفاده تبلیغاتی کردند و در شهرهای بانه و سقز، تظاهراتی با شعار ارتش ضد خلقی نابود باید شود، به راه افتاد.<sup>۳۵</sup>

### ماجرای نقده

حزب دموکرات که عملاً، نتوانسته بود در جریانهای سندج موقعیتی کسب کند، در صدد برآمد تا در شمال مناطق کردنشین نفوذ یابد. پس از پیروزی انقلاب، کمیته‌ای با شرکت نیروهای کرد و آذری در نقده تشکیل شد که هر دو گروه به طور مشترک آن را اداره می‌کردند، اما پس از مدتی، به دلیل اختلافات پیش آمده، انشقاق پدید آمد. بدین ترتیب، کمیته‌ای با سرپرستی ابراهیم محور در نقاط ترک‌نشین و کمیته دیگری به رهبری ملا صالح رحیمی در مناطق کردنشین نقده تشکیل شد.<sup>۳۸</sup> اوضاع متشنج در شرایطی در نقده پدید آمد که عده‌ای از سران نظامی سلطنت طلب، مانند اویسی در نزدیکی مرز ایران در خاک ترکیه، به توطئه چینی علیه انقلاب اسلامی مشغول بودند و به احتمال زیاد، عوامل آنها در پدید آوردن این اختلافات نقش داشتند.<sup>۳۹</sup>

در این شرایط، حزب دموکرات برای قدرت‌نمایی به مناسبت بازگشایی دفتر حزب در نقده اعلام میتینگ کرد و محل آن را هم به عمد، در محلات آذری‌نشین قرار داد.<sup>۴۰</sup> در روز ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۵۸، میتینگ با شرکت بیش از پانزده هزار نفر برگزار شد که از نقاط دیگر کردستان نیز به نقده آمده بودند. آنها پس از راهپیمایی در محل استادبوم شهر جمع شدند و با شلیک تیر هوایی، به کشتار مردم و غارت خانه‌های آنها اقدام کردند. تلاش مسئولان کمیته‌ها برای آتش بس به جایی نرسید و سرانجام، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه، با ورود ارتش و قرار گرفتن آن بین دو طرف، درگیریها کاهش یافت و با ورود سپاه پاسداران مرکز شهر آرام شد. سرانجام، قدرت

## در جریان سومین کنگره حزب دموکرات کردستان در سال ۱۳۵۲، این حزب رسماً مشی مسلحانه را به عنوان شکل اساسی مبارزه برای کسب استقلال کردستان برگزید

کردند. در آن زمان، شهید دکتر چمران فرماندهی نیروهای نظامی را در شهر پاوه بر عهده داشت. بدین ترتیب، نیروهای جان بر کف ارتش و سپاه طی عملیاتی پی‌درپی توانستند ضمن آزادسازی شهر پاوه، به تدریج، دیگر نواحی کردستان را نیز آزاد کنند. در ۲۸ مرداد ماه، گروهکها که هنوز آمادگی درگیری در تمام جبهه‌ها را نداشتند، با نشان دادن مقاومت اندکی در سقز و مهاباد، تمامی شهرهای کردنشین آذربایجان غربی را تخلیه و به نقاط دور دست کوهستانی و مرزی فرار کردند. در آغاز، رهبران حزب دموکرات به عراق رفتند و در آنجا، در زیر چتر حمایت رژیم بعث قرار گرفتند.<sup>۴۳</sup> این گروهکها که نتوانستند در مقابل حمله نیروهای سپاه و ارتش مقاومت کنند، جنگ چریکی را در منطقه آغاز کردند؛ موضوعی که کار پاک‌سازی آنها را دشوار می‌نمود.<sup>۴۴</sup>

### آغاز مجدد جنگ در کردستان

در بهار سال ۱۳۵۹، پس از به بن بست رسیدن کامل مذاکرات هیئت‌نماینده‌گی کرد با هیئت حسن‌نیت، از شمال و از جنوب

دموکرات هماهنگ با آنها به پادگانهای پیرانشهر و پسوه حمله کردند تا آنها را خلع سلاح کنند که با مقاومت رزمندگان ارتش و سپاه شکست خوردند و از پیرانشهر خارج شدند.<sup>۵۰</sup> در همان زمان، حزب دموکرات نیروهایی را برای اشغال ارومیه اعزام کرد. این اقدام نیز پس از کشته شدن دویست نفر از نیروهای حزب، به شکست انجامید. بدین ترتیب، ماهیت حزب دموکرات، که ادعای رهبری مردم کردستان را داشت، بیش از پیش آشکار شد.<sup>۵۱</sup>

در اواخر سال ۱۳۵۹، تلاش وسیعی بین سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و حزب دموکرات برای ایجاد جبهه واحدی علیه جمهوری اسلامی آغاز شد و در اوایل سال ۱۳۶۰، سازمان مجاهدین به صراحت از حزب دموکرات پشتیبانی کرد.

#### فاجعه زندان دلتو

بمباران زندان دلتو یکی از فاجعه‌هایی بود که رژیم بغداد با همکاری حزب دموکرات انجام داد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰، جلیل گادانی، فتاح کاویانی و خلبان فراری، ایرج سلطانی، به نمایندگی از طرف حزب دموکرات با سرهنگ عیار عبدالرضا و رشید صالح از افسران حزب بعث مستقر در اداره استخبارات کرکوک ملاقات کردند. در این ملاقات، بر سر بمباران زندان دلتو توافق شد که عده‌ای از نیروهای سپاه، کمیته، ارتش و جهادسازندگی در آن محبوس بودند. بر اساس این توافق، ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰، زندانیان برخلاف هر روز، که به بیگاری برده می‌شدند، در حیاط زندان نگه داشته شدند و نگهبانان زندان نیز از ۵۰ نفر به ۱۲ نفر کاهش یافتند، حتی افراد متخلف حزب دموکرات از این زندان به محلهای دیگری منتقل شدند و بدین ترتیب، همه چیز آماده بود. صبح آن روز، هواپیماهای عراق با هدایت حزب ساختمان زندان را به شدت بمباران کردند. طبق گفته بازماندگان فاجعه، نیروهای حزب نجات‌یافتگان را از ارتفاعات هدف قرار دادند و در مجموع، ۱۳۰ نفر را شهید و مجروح کردند.<sup>۵۲</sup>

حزب دموکرات در مقابل واکنشهای مختلف در مورد این جنایت، همکاری خود را با رژیم بعثی عراق انکار کرد و عبدالرحمان قاسملو به رغم همکاری گسترده حزب با رژیم عراق، جنگ ایران با عراق را بهانه‌ای برای سرکوب کردها دانست و مدعی شد که در آغاز جنگ با عراق، حزب دموکرات کردستان آمادگی چریکهای کرد را برای همکاری با ارتش ایران اعلام کرده است.<sup>۵۳</sup>

در کردستان جنگ مجددی به جمهوری اسلامی تحمیل شد. در شمال، حزب دموکرات به نیروهای ارتش و سپاه حمله کرد و جنگ سختی در گرفت. در جنوب نیز گروهکها راه ستون نظامی بزرگی را که از راه کامیاران آمده بود و قصد ورود به پادگان سنندج را داشت، سد کردند. توجیه رهبران حزب دموکرات این بود که ستون مزبور برای اشغال شهر آمده است. هرچند طی مذاکراتی قرار شد که این نیروها از راهی فرعی به پادگان بیایند، اما در بین راه، عوامل گروهکها به نیروهای ارتش حمله و عده‌ای را کشته و زخمی کردند. با این حال، این نیروها خود را به پادگان رساندند.<sup>۴۵</sup> هم‌زمان، در پاره‌ها و مریوان نیز جنگ آغاز شد و حزبهای کومله و دموکرات دو پایگاه را در نزدیکی سردشت خلع سلاح کردند. از آنجایی که گروهکها فکر می‌کردند توان مقاومت در شهرها را دارند، به

### نیروهای حزب دموکرات کردستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای ضربه زدن به نیروهای نظامی از روشهایی چون کمین، ترور، مین گذاری جاده‌ها و ارباب افراد بومی و غیر بومی استفاده می‌کردند

ویژه در سنندج همه مناطق سنگربندی شدند بدین ترتیب، آنها جنگ سختی را آغاز کردند که ۲۴ روز طول کشید که طی آن عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند.<sup>۴۶</sup>

به هر ترتیب، پس از یک ماه، شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز و سردشت آزاد شدند.<sup>۴۷</sup> در پاییز سال ۱۳۵۹، مهاباد نیز پس از یک سال، طی نبرد سنگینی از اشغال گروههای ضد انقلابی بیرون آمد.<sup>۴۸</sup>

در شهریور ماه سال ۱۳۵۹، ستونی از نیروهای ارتش با هدف رفتن به مناطق مرزی، از بانه به سمت سردشت حرکت کرد، اما در تمام طول مسیر، افراد حزب دموکرات و غیره بدان حمله کردند. بدین ترتیب، هم‌زمان با حمله نیروهای متجاوز عراق به خاک میهن و اشغال بخشهایی از آن، گروههای مخالف کرد، که خود را مدافع خلق می‌دانستند، به ستون نیروهای ایرانی، که برای جلوگیری از اشغال منطقه توسط ارتش عراق عازم مناطق مرزی بودند، حمله کردند.<sup>۴۹</sup> چند روز بعد، در حالی که ارتش بعثی از طریق مرزهای پیرانشهر می‌کوشید این منطقه را اشغال کند، نیروهای حزب

### اتحاد حزب دموکرات با شورای ملی مقاومت (منافقین)

شورای ملی مقاومت با تلاش ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی در تاریخ ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۶۰ بنیان گذاشته شد و در همان آغاز، احزاب، گروهها و شخصیت‌های مختلف ضد انقلاب به این شورا پیوستند.<sup>۵۴</sup> اعضای شورای ملی مقاومت را سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، حزب دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران، شورای متحد چپ، سازمان استادان متعهد دانشگاه‌های ایران، کانون توحیدی اصناف، سازمان اتحاد برای آزادی کار و سازمان اقامه تشکیل می‌دادند. البته، بعدها، حزب کار ایران، جنبش زحمت کشان گیلان و مازندران، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) و سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز بدان پیوستند.

مجاهدین مخالفت برخی از اعضای شورا با این تصمیم را اعلام کرد و موافقت آنها را به تهیه طرحی در این مورد منوط دانست. بر این اساس، در خرداد ماه سال ۱۳۶۲، سه نفر از اعضای شورا به نامهای مهدی خان بابا تهرانی، بهمن نیرومند و نوری دهکردی برای تهیه طرح مورد نظر به کردستان سفر و به مدت بیست روز، با دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکرات گفت و گو کردند. در نتیجه، کمیسیونی با شرکت اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب و نمایندگان شورا طرح خودمختاری را تهیه کرد. محدوده استان کردستان نخستین موضوع مورد اختلاف بنی صدر و حزب دموکرات بود. حزب دموکرات بخشهای کردنشین آذربایجان غربی را جزء کردستان می‌دانست در حالی که بنی صدر با ایجاد تقسیمات کشوری جدید مخالف بود. در پی بروز این

### هدف رهبران حزب دموکرات کردستان از ملاقات و مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، رسمیت دادن به اقدامات خود برای استقلال این استان بود

شخصیتهایی، مانند کاظم باقرزاده، منوچهر هزارخانی، ناصر پاکدامن، اصغر ادیبی، حمیدزیرکباش و یکی از کادرهای مطبوعاتی و اداری ایران که نام او تاکنون اعلام نشده است، نیز به طور فردی عضو این شورا بودند.<sup>۵۵</sup>

طبق اساس نامه مصوبه شورای ملی مقاومت، مسئولیت تشکیل دولت موقت و تعیین وزیران برعهده مسعود رجوی گذاشته شد و مقرر گردید دولت موقت حداکثر، شش ماه پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تداوم داشته باشد و عمر آن با تشکیل مجلس مؤسسان پایان یابد.<sup>۵۶</sup>

پیوستن حزب دموکرات کردستان به شورای ملی مقاومت برای شورا امر حیاتی و مهمی بود؛ چرا که از یکسو، این حزب خلاف دیگر گروهها و احزاب شورا به استثنای سازمان مجاهدین جنبه فردی و تک نفره نداشت و یک تشکل به حساب می‌آمد و از سوی دیگر، با پیوستن حزب دموکرات منطقه کردستان، که از آغاز انقلاب منطقه ای بحرانی محسوب می‌شد، به کانونهای بحران شورا علیه جمهوری اسلامی می‌پیوست و شورا می‌توانست بخشی از عملیتهای خود را از این منطقه سازمان دهی کند. حزب دموکرات نیز در قبال این پیوستن، امتیازهایی را خواستار بود؛ از این رو، به عنوان مبارزات حق طلبانه مردم کردستان در اسناد شورا بسنده نکرد و خودمختاری کردستان را خواستار شد. سازمان

اختلاف، قرار شد موضوع مزبور پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در بین مردم منطقه به رفراندوم گذاشته شود. اختلاف بر سر تعیین نیروهای انتظامی دومین موضوع مورد اختلاف بود؛ موضوعی که بر عهده مجلس ایالتی گذاشته شده بود. در واقع، حزب دموکرات نیروهای پیشمرگ را نیروهای انتظامی منطقه در آینده می‌دانست و مخالفان، آن را ایجاد ارتش در ارتش تلقی می‌کردند. سرانجام، قرار شد تا سامان دهی نیروهای انتظامی کردستان با تصمیم دولت مرکزی و نظر مجلس ایالتی کردستان انجام شود. با رفع این اختلافات، شورای ملی مقاومت طرح خود مختاری کردستان را تصویب کرد تا حزب دموکرات کردستان به دلیل همکاری با شورا، در مقابل رقیب کمونیست خود، حزب کومله، زیر فشار نباشد.<sup>۵۷</sup>

به دنبال آن، سازمان مجاهدین بخشی از نیروهای خود را به کردستان فرستاد و در کنار نیروهای حزب دموکرات مقرهایی را دایر کرد، اما دیری نپایید که از شورای ملی مقاومت نامی بیش نماند. علی اصغر حاج سید جواد در مورد این موضوع چنین می‌گوید: «مروری بر وضعیت شورای ملی مقاومت و تحولات درونی آن از روزهای آغازین تشکیل آن تا امروز، خود بهترین دلیل و سند شکست آن است. خود خواهیها و جاه طلبیهای مسعود رجوی و دیگر



گرفته‌اند، بحران کردستان و فعالیتهای حزب دموکرات افزایش یافته و هدفهای آن در سیری صعودی قرار گرفته و بزرگ تر شده‌اند. هرچند این حزب از احساسات قومی مردم کردستان بهره می‌گیرد، اما بدون وجود بحران، در مرزها و کشورهای هم‌جوار و حمایت دولتهای بیگانه به جایی نمی‌رسد. از سوی دیگر در صورت آشکار شدن نزدیکی این حزب به دولتهای بیگانه با بحران مشروعیت و پایگاه اجتماعی روبه‌رو می‌شود و از درون، جایگاه خود را از دست می‌دهد.

در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب، دولت بعثی عراق و حزب دموکرات و دیگر گروهکها هدف سیاسی مشترکی مبنی بر سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی داشتند؛ موضوعی که به همکاری گسترده و فراگیر رژیم

اعضای شورا باعث شد تا در سال ۱۳۶۳، تعدادی از آنها از آن جدا شوند.<sup>۵۸</sup> خیانتهای شورا تا آنجا بود که کریم حقی، یکی از اعضای آن، چنین می‌گوید: «شورای ملی مقاومت از زمانی نامشروع شد که به عراق کوچید و پیمان و اتحاد استراتژیک و پایداری با دیکتاتور عراق بست؛ رژیمی که جنگ تجاوز کارانه‌ای را علیه ایران آغاز کرد، شهرهای ما را هدف موشک‌باران قرار داد، میلیارد دلار خسارت و خرابی به بار آورد و هزاران هزار تن از جوانانمان را شهید، مجروح و معلول کرد. به عبارت دیگر، مشروعیت شورای ملی مقاومت زمانی از بین رفت که نیروهای آن دوشادوش نیروهای عراقی علیه قوای ایرانی جنگیدند و بساط زندان و شکنجه در عراق به راه افتاد...»<sup>۵۹</sup>

بدین ترتیب، خیانتهای اعضای شورای ملی مقاومت

## پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هدف رهبران حزب دموکرات کردستان جمع‌آوری نیرو و اسلحه در این استان بود تا با تقویت موقعیت خود در منطقه و تحت فشار قرار دادن مقامات جمهوری اسلامی، امتیازهایی را کسب کنند

صدام از یکسو و حزب دموکرات و گروهکهای دیگر از سوی دیگر انجامید. در نتیجه، رژیم عراق امکانات فراوانی را در اختیار این گروهکها گذاشت. در وهله نخست، دولت عراق به احزاب دموکرات و کومله اجازه داد تا مراکز سیاسی و نظامی خود را که از آنجا، فعالیتهایشان را علیه جمهوری اسلامی سازماندهی می‌کردند، در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای ایران مستقر نموده و پایگاههای آموزشی‌شان را برای تربیت اعضای جدید، برپا کنند. همچنین، دولت عراق پذیرفته بود، سلاح، تجهیزات نظامی و کمکهای مالی در اختیار آنها قرار دهد. افزون بر این، حزب بعث امکانات تبلیغاتی در شمال این کشور را در اختیار حزب دموکرات و گروهکهای دیگر قرار داد که از آن جمله می‌توان به فراهم کردن فرستنده‌های رادیویی برای انجام تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و تشویق کردهای ایران به شورش علیه دولت مرکزی اشاره کرد. کادر مرکزی و دیگر عناصر حزب دموکرات از امکانات فرودگاهی عراق برای سفر به دیگر نقاط جهان نیز استفاده می‌کردند.

با وجود اشتراک در هدف و کمکهایی که عراق به حزب دموکرات کردستان کرد، تحولات سالهای پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی تجربه مناسبی برای رهبران این حزب است که اهداف خود را محدود و آنها را در درون ایران

حتی در اظهارات اعضای آن مشاهده می‌شود، اما این دسیسه‌ها نیز نتیجه‌ای نداد. در سال ۱۳۶۱، پیروزیهای چشم‌گیر نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان را مشاهده می‌کنیم. در این سال، جاده استراتژیک پیرانشهر به سردشت آزاد شد و بخشهای مهمی از محور مهاباد به سردشت و روستاهای اطراف پاک‌سازی شد.

احزاب دموکرات و کومله در پی رانده شدن به کردستان عراق، در آن کشور نیز در مواردی، هدف حمله گروههای کرد عراقی قرار گرفتند که توسط جمهوری اسلامی حمایت می‌شدند.<sup>۶۰</sup> به تدریج، نفوذ و فعالیت حزب دموکرات در کردستان ایران کاهش یافت و به تلاشهای سیاسی برای جلب نظر جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش توجه شد.<sup>۶۱</sup>

### نتیجه‌گیری

روند شکل‌گیری و فعالیت حزب دموکرات کردستان نشان‌دهنده بهره‌گیری این حزب از سه عامل مهم زیر است: نزدیکی به دولتهای بیگانه برای تأمین سلاح و پشتیبانی سیاسی، بهره‌گیری از ویژگیها و خواسته‌های قومی مردم کردستان و استفاده از ضعف دولت مرکزی در ایران. در هر برهه از تاریخ، که سه عامل مزبور از نظر اهداف، سیاست و روند تحولات با هم و در سمت و سوی واحدی قرار

و نظام سیاسی آن پیگیری کنند. اتکا به دولتهای بیگانه تنها می تواند آنها را به ابزاری برای اهداف دشمنان این مرز و بوم تبدیل کند و سرنوشتشان را به سرنوشت رژیمهایی، مانند رژیم صدام پیوند دهد.

### یادداشتها

۲۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۱۶، حزب دموکرات کردستان.
۲۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۲۱، حزب دموکرات کردستان.
۲۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۴۱۶، بررسی مسئله کردستان.
۲۶. جلالی پور؛ کردستان و علل...؛ ص ۶۲.
۲۷. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۲۸. جلالی پور؛ کردستان و علل...؛ صص ۶۶ و ۶۷.
۲۹. همان؛ ص ۶۹.
۳۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ پیشین.
۳۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۳۷، تحلیل وقایع کردستان.
۳۲. همان.
۳۳. همان.
۳۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. همان.
۳۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروهکها.
۳۹. همان.
۴۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸۶، حزب دموکرات کردستان.
۴۱. همان.
۴۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه ها و گزارشهای رسانه های داخلی و خارجی).
۴۳. همان.
۴۴. همان.
۴۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه ها و گزارشهای رسانه های داخلی و خارجی).
۴۶. همان.
۴۷. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۴۸. همان.
۴۹. همان.
۵۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۸۱۷، اخبار وقایع کردستان.
۵۱. همان.
۵۲. منافقین و جنگ تحمیلی، مروری بر عملکرد منافقین ۲، بی جا؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۴۵-۱۴۷.
۵۳. همان؛ ص ۱۴۲.
۵۴. نشریه چشم انداز، شماره ۲۱، ص ۵۵.
۵۵. حمید شوکت؛ نگاهی از درون به جنبش چپ ایران؛ پاریس: بی نا، ۱۳۶۸، ص ۵۲۵.
۵۶. همان؛ ص ۵۳۲.
۵۷. همان؛ صص ۵۵۸ و ۵۵۴.
۵۸. نشریه چشم انداز، شماره ۲۲، ص ۴۸.
۵۹. همان؛ صص ۵۸۵ و ۵۸۷.
۶۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۶۱. همان.

۱. حمید رضا جلالی پور؛ قاضی محمد؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۹، ص ۵۳.
۲. همان؛ ص ۶۵.
۳. حمید رضا جلالی پور؛ کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی؛ تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ۱۳۷۲، ص ۵۳.
۴. قاسملو، عبدالرحمن، چهل سال مبارزه در راه آزادی؛ بی جا؛ انتشارات حزب دموکرات کردستان، بی تا، ص ۴.
۵. ایگلتون؛ جمهوری ۱۹۴۶؛ ترجمه صمدی؛ بی جا، بی تا، ص ۱۱۳.
۶. کردستان، امپریالیزم و گروههای وابسته؛ بی جا؛ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۳.
۷. جلالی پور؛ کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، ص ۵۶.
۸. همان؛ ص ۵۷.
۹. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، حزب دموکرات کردستان، ج اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۷.
۱۰. کریس کوچرا؛ جنبش ملی کرد؛ ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸.
۱۱. چپ در ایران...؛ پیشین؛ ص ۸.
۱۲. کریس کوچرا؛ پیشین؛ ص ۲۳۸.
۱۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۱۴. کریس کوچرا؛ پیشین؛ ص ۲۳۸.
۱۵. کردستان، امپریالیزم و...؛ پیشین؛ ص ۲۶.
۱۶. جلالی پور؛ کردستان و علل...؛ ص ۵۹.
۱۷. همان؛ ص ۶۱.
۱۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.
۱۹. جلالی پور؛ کردستان و علل...؛ ص ۵۸.
۲۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ پیشین؛
۲۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروهکها.
۲۲. روزنامه کیهان؛ ۱۳۵۷/۱۰/۳۰.